

در یازدهمین سالگرد قتل های زنجیره ای

در کنار خانواده های قربانیان جنایات رژیم باشیم

در اول آذرماه 1377 مأموران وزارت اطلاعات داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران و همسرش پروانه اسکندری را با ضربات چاقو و به شکلی فجیع به قتل رساندند. به دنبال آن محمدمختاری و محمدجعفر پوینده مسئولین کانون نویسندگان ایران را در 16 آذرماه با طناب خفه کردند، جنایت کاران سپس به سراغ مجید شریف و پیروز دوانی رفتند. انعکاس این جنایات، و فشار افکار عمومی دولت خاتمی را مجبور به م وضع گیری کرد و اما مسئولین این جنایات در وزارت اطلاعات شناسایی شدند و زیر چتر حمایت رهبر قرار گرفتند. مجریان اوامر دفتر رهبری برای این بین بردن شاهد اصلی ماجرا و مجری طرح نابود سازی مخالفین، سعید اسلامی را در زندان واجبی خور کرده و به قتل رساندند. اما شهیدان آذرماه، تنها قربانیان سیاست حذف فیزیکی فتوا دهندگان نبودند، بلکه نزدیک به 80 نفر از سال 1369 تا 1381 در داخل کشور به این شیوه به قتل رسیدند. هم زمان با قتل های زنجیره ای داخل کشور، نزدیک به 250 نفر از فعالین سیاسی در خارج کشور ترور شدند.

سیاست کشتن و ترور مخالفین، سیاست شناخته شده ی جمهوری اسلامی در تمامی طول حکومت ننگین اش است. اگر بر این جنایات، اعدام های زندانیان سیاسی در طول دهه شصت و هفتاد و بویژه کشتار تابستان 1360 و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 1367 را اضافه کنیم، آن وقت بخشی از سیاست جنایت کارانه حذف مخالفین را در طول حیات این رژیم به تصویر کشیده ایم. سیاستی که اکنون هم که جنبش مردمی، تمام قد در برابر حاکمان جنایت کار ایستاده است، ادامه دارد. در تازه ترین نمونه، اعدام بی شرمانه احسان فتاحیان در زندان سنندج و صدور حکم اعدام برای 12 فعال سیاسی - مدنی کرد و 5 فعال سیاسی در تهران را باید ادامه این سیاست دانست. کشتن دکتر رامین اندرجانی نیز نمونه ی جدیدی از بکارگیری قتل های زنجیره ای است. اکنون بار دیگر رژیمی که به ترس مرگ دچار گشته، داس مرگ را بر فراز سر جوانان مردم به حرکت درآورده است.

اگر دیروز جنایت رژیم در کشتن مخالفین و ترور فعالین سیاسی و کشتار در زندان ها، انعکاس وسیعی نمی یافت و مردم کوچه و بازار در جریان این جنایات قرار نمی گرفتند، امروز اوضاع به شدت تغییر کرده است. حال که مردم ایران و سراسر جهان در تلویزیون های خود به چشم دیدند که فریاد "رأی من کو؟" جوانانی مانند ندا آقاسلطان، سهراب اعرابی، اشکان سهرابی، امیرجوادی فر، محسن روح الامینی و ده ها نفر دیگر با سرب داغ پاسخ گرفت، به عمق وحشی گری و جنایت پیشگی جمهوری اسلامی پی بردند. از این رو آرام و قرار ندارند و هر روز که می گذرد بر وسعت و عمق جنبش ضد استبدادی افزوده می شود. حالا دیگر می توان با انعکاس گسترده اخبار جنایات رژیم، افکار عمومی را علیه آن بسیج کرد. می توان مردم آزاده جهان را به کمک گرفت و می توان مانع از ادامه این جنایات های ضدبشری شد. حالا دیگر حتی صفوف حکومتیان متحد نیست. اگر دیروز بخشی از حاکمیت چشم بر جنایات دستگاه ولایت به عنوان ستون اصلی نظام اسلامی می بست و یا با آن همراهی می کرد، اکنون متوجه شده است که آن سیاست دیگر کارساز نیست و نیک دریافته است که داس مرگ، حالا به سراغ خودشان نیز آمده است. این امر شکاف در بالا

را گسترده کرده و اراده واحد در پیشبرد سیاست حذف فیزیکی مخالفین را با مشکلات جدی روبرو ساخته است . بسیاری از کسانی که دیروز چشم و گوش بسته با شمشیر آخته دستگاه ولایت سر مخالفین را از تن جدا می کردند، امروز باید نگران آینده خود باشند و این ترس اراده ی آن ها را درهم خواهد شکست .

در یازده همین سالگرد قتل های زنجیره ای، و در دوران جنبش شکوهمند مردمی، دیگر تنها، افشای جنایت های رژیم اسلامی و ستون اصلی اش، دستگاه ولایت کافی نیست. زمان آن فرارسیده است که خانواده های تمامی قربانیان رژیم در سه دهه ی گذشته ، جان باخته گان اعدام های 60، قتل عام 67، و دیگر سال های زندان های رژیم، قربانیان قتل های زنجیره ای، ترور شده گان خارج از کشور، و جان باخته گان جنبش اخیر، دست در دست هم دهند و نهضت بزرگ دادخواهی همه داغدیدگان را به وجود آورند و تمامی پرونده های ناگشوده را باز کرده و خواهان شناسایی مسئولین و مجریان این کشتار های ددمنشانه باشند . باید که در کنار خانواده های داغدیده ایستاد، در مراسم های گوناگونی که برگزار می کنند شرکت کرد؛ باید از تمامی دوستان و آشنایان خواست که به این جنبش بزرگ دادخواهی بپیوندند. باید از تمامی فعالین حقوق بشر در خارج از کشور خواست این پرونده ها را به مراجع بین المللی ارسال کرده و خواهان گشوده شدن پرونده رهبران جمهوری اسلامی به عنوان متجاوزین حقوق بشر و جنایت علیه بشریت شوند.

سازمان ما، هم چون گذشته خود را در کنار خانواده های داغدیده، از هر عقیده و مرامی، وابسته به هر جریان سیاسی واجتماعی می داند و خود را نه تنها در غم آن ها شریک که جزئی از این خانواده بزرگ می داند . سازمان ما نیز هم چون بسیاری از دیگر احزاب و سازمان های سیاسی، بخش بزرگی از بهترین رفیقان و از جمله 9 تن از اعضای کمیته مرکزی اش را از دست داده است . ما در یازدهمین سال گرد قتل های زنجیره ای، در برابر تمامی شهیدان راه آزادی و برابری سر تعظیم فرود می آوریم و برای تحقق آرمانشان با تمام قوا می کوشیم

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

29 آبان 1388 - 19 نوامبر 2009